



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Comparative analysis of the subject, words and syntax of prayers and curses of Shahnameh (Case study of the stories of Rostam, Esfandiar and Kamos Keshani)

Z. Rouhani, H.A. Ghobadi*, S. Bozorg Bigdeli

Department of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 25 November 2020
 Reviewed: 27 December 2020
 Revised: 11 January 2021
 Accepted: 25 February 2021

KEYWORDS

Prayer, Curse,
 Rostam and Esfandiar,
 Kamos Keshani, Synta

*Corresponding Author

✉ hghobadi@modares.ac.ir
 ☎ (+98 21) 82883605




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Shahnameh is one of the most important identity and historical works of Iranians that can be studied from different aspects of mythology, fiction, rhetoric and stylistics. What distinguishes Shahnameh from other works of all times is Ferdowsi's personal style. In many books and articles, Khorasani style has been discussed, but Ferdowsi's personal style has received less attention. In this study, in order to understand Ferdowsi's style and understand his ability to create dialogues, two opposing human discourses, namely prayer and curse, which are manifestations of human emotions and feelings in different situations and situations and are rooted in human sadness and happiness, have been studied.

METHODOLOGY: This research is theoretical and has been done in a descriptive-analytical manner. The study area and society are two stories by Rostam and Esfandiar and Kamos Keshani from Ferdowsi's Shahnameh by Saeed Hamidian, which was published by Qatreh Publishing.

FINDINGS: The prayer propositions in these two stories are 18 bits and the curse propositions are 19 bits. Thus, in the beginning, the content of prayer and cursing propositions is extracted and classified from the verses. The theme of the Shahnameh's prayers is more seeking happiness and peace, overcoming enemies, longing for heaven and paradise, and curses include calling for the destruction of enemies, cosmic curses, and cursed glories. The real curse, which is the request to destroy the enemies, occurs in a state of rage and anger, and generally on the battlefield, but the curses of the universe and cursed glories appear in a state of sorrow. After examining the content of prayers and curses, the descriptive-analytical method of words, verbs, syntax and sentence arrangement patterns in both types of propositions are described.

CONCLUSION: Ferdowsi did not follow a specific pattern in the arrangement of sentence components, but by examining and analyzing the data, key and repeated phrases are found that Ferdowsi has used in drawing the two situations of prayer and curse. In the prayer propositions, the key and frequent phrases "without you", "being away from" and "bad luck" are seen, and in the cursed propositions, the phrase "may + ... + prayer verb + may + ... (Wind) »is repeated. Also, in this research, it has been determined that the irony in prayer and curse, as the most colorful literary array, causes more rhetoric of prayer and curse propositions.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.14.5695](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.5695)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 14	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

تحلیل مقایسه‌ای موضوع، واژه‌ها و نحو دعاها و نفرینهای شاهنامه (مطالعه موردی داستانهای رستم و اسفندیار و کاموس کشانی)

زهرا روحانی، حسینعلی قبادی*، سعید بزرگ بیگدلی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: شاهنامه یکی از مهمترین آثار هویتی و تاریخی ایرانیان است که از ابعاد مختلف اسطوره‌شناسی، داستانی، بلاغی و سبک‌شناسی قابل بررسی است. آنچه شاهنامه را از دیگر آثار هم‌عصرش متمایز میکند، سبک شخصی فردوسی است. در کتب و مقالات بسیاری به سبک خراسانی پرداخته شده اما سبک شخصی فردوسی کمتر مورد توجه بوده است. در این پژوهش برای شناخت سبک فردوسی و درک توانایی او در آفرینش دیالوگها، دو گفتمان متضاد بشر یعنی دعا و نفرین، که از مظاهر بروز عواطف و احساسات آدمی در شرایط و موقعیتهای مختلف است و ریشه در غم و شادی انسان دارد، بررسی شده است.

روش مطالعه: این پژوهش نظری است و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، دو داستان رستم و اسفندیار و کاموس کشانی از شاهنامه فردوسی به کوشش سعید حمیدیان است که نشر قطره آن را منتشر نموده است.

یافته‌ها: گزاره‌های دعایی در این دو داستان ۱۸ بیت و گزاره‌های نفرینی ۱۹ بیت است. بدین ترتیب در آغاز، محتوای گزاره‌های دعایی و نفرینی از میان ابیات استخراج و طبقه‌بندی شده است. مضمون دعاها شاهنامه بیشتر طلب شادی و آرامش، غلبه بر دشمنان، آرزوی طول عمر و بهشت است و نفرینها نیز شامل درخواست نابودی دشمنان، نفرین کائناتی و شیکوه‌های نفرین-گونه‌اند. نفرین واقعی که همان درخواست نابودی دشمنان است، در موقعیت خشم و عصبانیت و عموماً در صحنه نبرد بروز پیدا میکند ولی نفرین کائناتی و شیکوه‌های نفرین‌گونه در موقعیت غم و اندوه بروز و ظهور دارند. پس از بررسی محتوایی دعاها و نفرینها، با روش توصیفی - تحلیلی واژه‌ها، افعال، نحو و الگوی چینش جملات در هر دو نوع از گزاره‌ها توصیف شده است.

نتیجه‌گیری: فردوسی در چینش اجزای جمله از یک الگوی خاص تبعیت نکرده اما با بررسی و تحلیل داده‌ها، عبارتهای کلیدی و تکرار شده‌ای یافت میشود که فردوسی در ترسیم دو موقعیت دعا و نفرین از آنها استفاده کرده است. در گزاره‌های دعایی، عبارتهای کلیدی و مکرر «بی تو مباد»، «دور بودن از» و «تو شه بدی» دیده میشود و در گزاره‌های نفرینی عبارت «مه+... فعل دعایی+ مه+... (باد)» تکرار شده است. همچنین در این پژوهش مشخص شده است که کنایه در دعا و نفرین بعنوان پررنگترین آرایه ادبی موجب بلاغت بیشتر گزاره‌های دعایی و نفرینی است.

تاریخ دریافت: ۰۵ آذر ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۰۷ دی ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۲ دی ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۷ اسفند ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

دعا، نفرین، رستم و اسفندیار، کاموس کشانی، نحو

* نویسنده مسئول:

hghobadi@modares.ac.ir

۸۲۸۸۳۶۰۵ (۲۱) ۰۹۸+

مقدمه

موفقیت فردوسی در سرودن شاهنامه به گونه‌ای است که همه شاعران، نویسندگان و استادان ادبیات فارسی بر کم‌نظیری و برجستگی آن گواهی داده‌اند. همایی در این باره گفته است: «موضوع کتاب و داستانش خواه افسانه باشد و خواه تاریخ واقعی چندان مطرح نیست. آنچه مهم است نیروی شگفت‌انگیز فردوسی است در هنر و آیین سخنوری و شیوه سخندانی و سخن‌پردازی» (شاهنامه فردوسی شاهکار سخنوری و سخندانی، همایی: ص ۳۴). این توانایی و موفقیت برآمده از روزگار و دوره فردوسی نیست که اگر این گونه بود، باید شاعران هم‌عصر او نیز مانند او شعر میسرودند و در طول زمان مورد توجه قرار می‌گرفتند. این تمایز از هم‌عصران و ماندگاری، برخاسته از توانایی و سبک شخصی فردوسی است. «فخامت زبان فردوسی چیزی نیست که بتوان هنجار عصر شمرد» (درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان: ص ۴۳۱). زیبایی و ماندگاری شاهنامه مدیون بیان و بدیع نیست بلکه انتخاب واژه‌ها و چینش خاص آنها در محور کلام باعث برجستگی شاهنامه است. «در این چشم‌انداز، اوج شاعری همان اوج نظم است و استعاره‌ها و مجازهای نو و انواع دیگر بیان بندرت خود را نشان می‌دهند» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۳۱). بنابراین برای درک علل موفقیت شاهنامه باید پیش از هر چیز واژه‌ها و نحو آن بررسی و تحلیل شود.

دعا و نفرین از بنمایه‌های دینی و فرهنگی، اسطوره‌ای و ادبی است که از قبل از اسلام تا کنون در متون دینی و ادبی بوفور یافت می‌شود. آنچه باعث انتخاب این دو موضوع است، تضاد میان آنهاست که یکی از احساس شادی و رضایت و دیگری از احساس خشم و اندوه نشئت می‌گیرد. در این پژوهش مقصود از دعا، نیایش و سخن گفتن با خدا نیست بلکه دعا در مقابل نفرین است و مقصود از دعا، درخواست خیر و شادی برای مخاطب و مقصود از نفرین، طلب شر و بدی برای مخاطب است. در این پژوهش تلاش می‌شود رابطه میان محتوا و زبان در دو مقوله متضاد یعنی دعا و نفرین بررسی و به پرسشهای زیر پاسخ داده شود.

محتوای دعاها و نفرینهای شاهنامه چیست؟ فردوسی برای خلق گزاره‌های دعایی و نفرینی از چه واژه‌ها و افعالی استفاده کرده است؟ عبارتهای کلیدی و پرتکرار موقعیتهای دعا و نفرین چیست؟ فردوسی کدام آرایه ادبی را بیشتر در این دو موقعیت بکار برده است؟

سابقه پژوهش

اگرچه دعا و نفرین در بسیاری از متون دینی و انواع ادبی مانند غنایی، حماسی و نمایشی یافت می‌شود اما مقالات و پایان‌نامه‌های بسیار محدودی به این موضوع اختصاص یافته است. از جمله در مقاله‌ای به نام «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه» بیشتر به وجه موضوعی و محتوایی دعاها در متون کهن پرداخته‌اند (دهرامی و فهیمی‌پور، ۱۳۹۶). در مقاله «بررسی تطبیقی درونمایه نفرین در دوبیتی‌های محلی خراسان و مازندران» علل نفرین و افرادی که نفرین شده‌اند، بررسی شده است. (ماحوزی، طاووسی و ساروی، ۱۳۹۶). در مقاله «آسیب‌شناسی تقاضا و طلب معنوی در شعر سبک خراسانی» نیز در بحث دعا و شریطه تا حدودی به بحث زبانی درباره دعا در سبک خراسانی پرداخته شده

است (سنگ‌سفیدی، استاجی و عشقی، ۱۳۹۸) اما در مجموع می‌توان گفت هیچ پژوهش مستقل و قابل توجهی درباره تحلیل محتوایی، نحوی و واژگانی گزاره‌های نفرینی و دعایی در شاهنامه فردوسی انجام نشده است. در این پژوهش ابتدا گزاره‌های دعایی و نفرینی استخراج شده و بعلاوه محدود بودن تعداد ابیات و ارجاع در بحث‌های واژه‌ای و نحوی، تمام این ابیات ذیل موضوع آورده شده و در بخش‌های دیگر از تکرار آنها پرهیز شده است. سپس با روش توصیفی-تحلیلی این دو درونمایه در حوزه‌های موضوع، واژه و نحو تحلیل شده‌اند.

بحث و بررسی

مفهوم ادبی نفرین و دعا

دعا: در لغت‌نامه دهخدا ذیل این واژه آمده است: «حاجت خواستن. ج، ادعیه و دعوات (از آندراج). استغاثه به خدا. استدعای برکت. تضرع. درخواست از درگاه خدا (ناظم‌الاطبا). درخواست حاجت از خدا. درخواست حاجت از خدا برای خود یا دیگری. خدایخوانی» (دهخدا: ذیل دعا). در این پژوهش نیز مقصود از دعا، صرفاً سخن گفتن با خدا نیست بلکه مقصود طلب و درخواست خیر و شادی برای دوستان، پهلوانان یا پادشاهان از خداوند است.

موضوع دعاها

در جملات دعایی، گوینده برای مخاطب خود شادی، پیروزی بر دشمنان، قدرت و حکومت، طول عمر، جاودانگی و نهایتاً بهشت را آرزو میکند و او را دور از خشم و بدی و آسیب دشمنان می‌خواهد و همچنین شکست و نابودی را برای دشمنان آرزو کرده که آن را ذیل نفرین بررسی خواهیم کرد. گاهی محتوای یک بیت، مجموع دعاها یعنی آرزوی شادی و پیروزی و قدرت و حکومت میشود و مرزبندی محتوایی دعاها به این معنا نیست که شاعر در هر بیت فقط یک موضوع خاص مثل شادی یا پیروزی را در جملات دعایی آورده است.

شادی: آرزوی شادی و آرامش یکی از دعا‌های رایج در شاهنامه است. در داستان کاموس کشانی، کیخسرو از رستم می‌خواهد که او را در نبرد با تورانیان یاری دهد و سپس او را دعا میکند:

امید سپاه و سپهبدتست	که روشن روان بادی و تن درست
سرت سبز باد و دلت شادمان	تن زال دور از بد بدگمان

اهنامه مسکو، ج ۴، بیت ۶۵۳ و ۶۵۴

و یا وقتی پیران مزده آمدن نیروی کمکی را به سپاهش میدهد، سپاهیان نزد او رفته و می‌گویند:

بگفتند کای نامور پهلوان	همیشه بزی شاد و روشن روان
بدیدار شاهان دلت شاد دار	روانست ز اندیشه آزاد دار

(همان: بیت ۷۴۸ و ۷۴۹)

موفقیت و پیروزی بر دشمنان: یکی دیگر از دعا‌های رایج آرزوی موفقیت و پیروزی بویژه هنگام جنگ است. برای مثال پس از آنکه هومان از نبرد با طوس زنده و سلامت بازگشت، سپاه خوشحالی کردند و گفتند:

بنزدیک پیران شد از رزمگاه
ز تو خشم گردنکشان دور باد
خروشی برآمد ز توران سپاه
درین جنگ فرجام ما سور باد
(همان: بیت ۲۷۲ و ۲۷۳)

و درجایی دیگر رستم آرزوی پیروزی سپاه ایران را اینگونه مطرح میکند:

جهاندار پیروزگر یار باد
سر بخت دشمن نگونسار باد
(همان: بیت ۱۱۶۰)

رستم، اسفندیار را دعا میکند و از خداوند میخواهد که بخت اسفندیار پیروز باشد.

همه‌ساله بخت تو پیروز باد
شبان سیه بر تو نوروز باد
(همان: ج ۶، بیت ۴۷۹)

دوام قدرت و حکومت

در داستان کاموس کشانی رستم، دوام پادشاهی را برای شاه میخواهد:

بپاسخ چنین گفت رستم بشاه
که با فر و برزی و با رای و داد
که بی تو مبادا نگین و کلاه
ندارد چو تو شاه گردون بیاد
(همان: ج ۴، بیت ۶۵۷ و ۶۵۸)

کیخسرو نیز در دیالوگی عاطفی و تأثیرگذار درحالیکه اشک میریزد به رستم میگوید:

بدو گفت بی تو نخواهم زمان
نه اورنگ و تاج و نه گرز و کمان
فلک زیر خم کمند تو باد
سر تاجداران به بند تو باد
(همان: بیت ۶۷۰ و ۶۷۱)

با توجه به دعای کیخسرو متوجه میشویم که آن برتری‌جویی و خیره‌سری که در شخصیت کیکاووس بود، در وجود کیخسرو نیست؛ زیرا او براحتمی رستم را بالا میبرد، به برتری او نسبت به تاجداران اشاره میکند و آسمان و شاهان و بت‌ها آن قدرت را برای رستم میخواهد. شاید همین دیالوگها مقدمه‌ای باشد برای پیریزی شخصیت عارفانه کیخسرو که چگونه پادشاهی را رها میکند و آن را به دیگری میسپرد.

در داستان رستم و اسفندیار نیز دیده میشود که سپاهیان رستم، او را دعا کردند:

سپاهش برو خواندند آفرین
که بی تو مباد اسپ و گویال و زین
(همان: ج ۶، بیت ۹۹۹)

جاودانی و طول عمر: یکی دیگر از دعاهایی که شخصیت‌های شاهنامه در حق یکدیگر میکنند، دعا برای بقا، جاودانی و طول عمر است. گودرز دیده‌بانی را که خبر آمدن سپاه ایران را میدهد، دعا میکند و میگوید:

بدو گفت گودرز انوشه بدی
ز دیدار تو دور چشم بدی
(همان: ج ۴، بیت ۸۶۱)

پیران، کاموس را دعا میکند و میگوید:

بدو گفت پیران کانوشه بدی
همیشه ز تو دور دست بدی
(همان: ج ۴، بیت ۱۰۰۹)

پیران نزد خاقان چین می‌رود و می‌گوید:

بدو گفت شاها انوشه بدی روان را بدیدار توشه بدی
(همان: بیت ۱۱۹۸)

گشتاسپ که اسفندیار را ازدست داده است، برای بقای بهمن دعا میکند:

همی گفت کاینم جهاندار داد غمی بودم از بهر تیمار داد
بماناد تا جاودان بهم‌نم چو گم شد سرافراز رویین تنم
(همان: ج ۶، بیت ۱۶۷۲ و ۱۶۷۳)

فردوسی نیز در پایان داستان رستم و اسفندیار پادشاه وقت یعنی محمود غزنوی را دعا کرده است:

سرآمد همه کار اسفندیار که جاوید بادا سر شهریار
همیشه دل از رنج پرداخته زمانه به فرمان او ساخته
دلش باد شادان و تاجش بلند به گردن بداندیش او را کمند
(همان: بیت ۱۶۷۴-۱۶۷۶)

آرزوی بهشت: رستم پس از مرگ اسفندیار، بهشت را برایش آرزو میکند:

روان تو بادا میان بهشت بداندیش تو بدرود هر چه کشت
(همان: بیت ۱۵۱۶)

درد و بدی را دور خواستن: رستم آرزو میکند که شاه اندوهگین نباشد و درد و غم را از او دور می‌خواهد:

ازان کشتگان شاه بی‌درد باد رخ بدسگلان او زرد باد
(همان: ج ۴، بیت ۶۶۷)

رستم گودرز را دعا میکند و می‌گوید:

روان تو از درد بی‌درد باد همه رفتن ما با آورد باد
(همان: بیت ۱۱۲۸)

تحلیل نحوی جملات دعایی

پژوهشگران حوزه دستور، جمله را به چهار قسم خبری، پرسشی، امری و عاطفی تقسیم کرده‌اند. «جمله عاطفی جمله‌ای را می‌گوییم که در آن حالت شور و هیجانی بیان شود، خواه این حالت از اندوه باشد یا از شادی، خواه از درد یا از لذت، خواه از ستایش و آفرین یا از نفرت و کین، خواه از شگفتی و خواه از آرزو یا افسوس» (دستور زبان فارسی، ناتل خانلری: ص ۱۱۷)؛ بنابراین جملات دعایی زیرمجموعه جملات عاطفی محسوب می‌شوند و «فعل دعایی از انواع مضارع التزامی است زیرا بر نوعی آرزو که گاهی بصورت نفرینست دلالت میکند» (فعل دعا و تحول آن در زبان فارسی، فرشیدورد: ص ۷۷۷). فعل دعایی در دستور تاریخی زبان فارسی ساختمان ویژه‌ای داشته است که اولین و رایجترین آن در «تبدیل «فتح» به «الف» صورت می‌گیرد» (همان: ص ۷۷۷) که البته آن را بصورت بن مضارع+ الف+ شناسه نیز مطرح می‌کنند. در لغتنامه دهخدا درباره صیغه دعا آمده است: «صیغه دعا (در اصطلاح دستور زبان فارسی) فعلی است که از سوم شخص مفرد مضارع گرفته می‌شود و میان علامت مضارع (که دال آخر باشد) و حرف قبل از آن الفی (آ) آورند و در مورد

نفی میمی (م) بر آن افزایند: باد و مباد (در اصل بواد و میواد)، کناد و مکناد و مبیناد» (دهخدا: ذیل دعا). در تقسیم‌بندی گزاره‌های دعایی که انجام شده، سه گروه اول دعایی بر اساس همین ساختمان است و بعلت کثرت استفاده از فعلهای «باد» و «مباد» آنها از سایر افعال دعایی جدا شده‌اند. ساختمان دوم دعا «از الحاق پسوند «ا» به ساختمان اول حاصل میشود و میتوان آن را دعای مؤکد خواند» (فعل دعا و تحول آن در زبان فارسی، فرشیدورد: ص ۷۷۹) که در دو داستان شاهنامه جز «بادا» و «مبادا» مثال دیگری برای این ساخت یافت نشده است.

فعل دعایی باد: مسندالیه+ مسند+ فعل دعایی باد. مانند: سرت سبز باد و دلت شادمان. گاهی فعل باد به قرینه لفظی یا معنوی حذف میشود مانند: ز دیدار تو دور چشم بدی. همچنین فعل «باد» به صورتهای بادی، بدی و بادا نیز در مثالهای بالا آورده شده است.

فعل دعایی مباد. مانند: که بی تو مباد اسپ و گوپال و زین. فعل دعایی «مباد» بصورت «مبادا» نیز آورده شده است.

افعال دعایی دیگر به غیر از «باد» و «مباد» مانند: بماناد تا جاودان بهمنم.

فعل مضارع التزامی با مفهوم دعا: همیشه بزی شاد و روشن روان.

در دو داستان کاموس کشانی و رستم و اسفندیار ۱۸ بیت با موضوع دعا یافت شده است که ۱۳ بیت آن مربوط به شماره یک، ۲ بیت آن مربوط به شماره دو، ۱ بیت مربوط به شماره سه و ۲ بیت مربوط به شماره چهار است. پس با توجه به این تعداد، رایجترین نوع ساخت دعا، استفاده از فعل دعایی «باد» است.

تحلیل واژه‌ای جملات دعایی: در بحث واژه به اسمها، فعلها، عبارتهای پرتکرار و عبارتهای کنایی پرداخته می‌شود:

واژه‌های استفاده شده در جملات دعایی معمولاً بار معنایی مثبت دارند مانند: روشن‌روان، تن‌درست، شادمان، شاد، انوشه، جاودان، پیروز، نوروز، یار و ... اگر بار معنایی آنها منفی باشد، گوینده در جملات دعایی آن را از مخاطب خود نفی یا سلب میکند. برای مثال در مصرع «تن زال دور از بد بدگمان» شاعر «بد بدگمان» را بوسیله واژه «دور» از تن زال سلب کرده است.

افعال: باد، بادا، بدی، مباد، مبادا، بماناد، بزی و ... افعالی هستند که در جملات دعایی استفاده شده‌اند.

عبارتهای دعایی تکراری: در مثالهای بالا چند عبارت دیده میشود که برای دعا تقریباً هم‌شکل بکار رفته است. «بی تو مباد» در «که بی تو مبادا نگین و کلاه» و «که بی تو مباد اسپ و گوپال و زین» با این تفاوت که نگین و کلاه برای شاه استفاده شده است و اسپ و گوپال و زین برای پهلوان. «دور بودن از» نیز در مصراعهای «ز تو خشم گردنکشان دور باد» و «تن زال دور از بد بدگمان» دیده میشود. عبارت «انوشه بدی» نیز در سه بیت دیده میشود.

کنایه دعایی: فرمان نو داشتن، سر سبز بودن، فلک را زیر خم کمند داشتن، سر کسی را به بند داشتن، بلند بودن تاج.

نفرین در شاهنامه

نفرین در لغت‌نامه دهخدا به معنای «دعای بد (لغت فرس اسدی) (غیاث اللغات) (آنندراج) (انجمن- آرا) (ناظم الاطبا). لعنت، بسور، پشور، سوره، غورا، یارند، پشول، پشور، دشنام. (از ناظم الاطبا)» است و

«شاهنامه فردوسی به همان اندازه که آفرین‌نامه داد است، نفرین‌نامه بیداد نیز هست» (از رنگ گل تا رنج خار، سرامی: ص ۲۸۵) و هر کجا که بی‌عدالتی، ناراحتی و یا دشمنی باشد، نفرین نیز حضور دارد.

موضوع نفرینها

نفرینهای شاهنامه را از حیث موضوع و محتوا میتوان به سه بخش تقسیم کرد. ۱- زمانی که شخصیت‌های داستان مخالفان، سرکشان و یا دشمنان را نفرین میکنند و مرگشان را آرزو میکنند. ۲- وقتی که قهرمان در موقعیت اندوه یا خشم قرار میگیرد و زبان به نفرین زندگی، پادشاهی، تاج و تخت، روزگار و ... می‌گشاید. ۳- موقعیت غم و اندوه است. در واقع در این موقعیت شخصیت و گوینده دیالوگ از بودن خود غمگین و ناراحت است، خود را نفرین میکند و آرزو میکند که ای کاش متولد نشده بود و یا مرده بود.

نفرین مخالفان و دشمنان: در آثار ادبی و بتبع آن شاهنامه فردوسی، نفرین دشمنان و مخالفان در موقعیتهای مختلف، کاربردهای متفاوتی دارد. ممکن است گوینده در موقعیت خشم و عصبانیت دشمنان را نفرین کند و یا در موقعیت شادی از ساخت نفرین استفاده کند؛ به‌گونه‌ای که برای شادی دوستان، دشمنان آنها نفرین میشوند. در واقع نفرین دشمنان یک دوست، کارکرد دعا برای دوست پیدا میکند. برای مثال رستم، دشمنان اسفندیار را نفرین میکند و میگوید:

دژم گردد آن کس که با تو نبرد	بجوید سرش اندر آید به گرد
همه دشمنان از تو پر بیم باد	دل بدسگالان به دونیم باد

(شاهنامه مسکو: ج ۶، ابیات ۴۷۷ و ۴۷۸)

پشوتن نیز، دشمن اسفندیار را نفرین میکند و میگوید:

پشوتن بدو گفت پر آب چشم	که بر دشمنت باد تیمار و خشم
-------------------------	-----------------------------

(همان: بیت ۱۳۳۱)

مواردی از نفرین در موقعیت خشم و عصبانیت:

در داستان کاموس کشانی، کیخسرو، طوس را که مسبب مرگ فرود بوده است، نفرین میکند:

بد آمد به گودرزیان بر ز طوس	که نفرین برو باد و بر پیل و کوس
همی خلعت و پندها دادمش	به جنگ برادر فرستادمش
جهانگیر چون طوس نوذر مباد	چنو پهلوان پیش لشگر مباد

(همان: ج ۴، ابیات ۳۶-۳۴)

هومان، گیو را که خواهان جنگ است و ملایمت طوس و هومان را نمیپذیرد، نفرین میکند و میگوید:

چو بشنید هومان برآشفست سخت	چنین گفت با گیو بیدار بخت
ایا گمشده بخت آزادگان	که گم باد گودرز کشوادگان

(همان: ابیات ۲۳۱ و ۲۳۲)

پیران نیز زبان به نفرین ایران می‌گشاید:

بر و بوم ایران نمانم بجای
که مه دست بادا ازیشان مه پای
(همان: بیت ۷۸۱)

وقتی زال میخواهد علت ناراحتی‌اش را به سیمرغ بگوید، اینگونه آغاز میکند:

چنین گفت کاین بد به دشمن رساد
تن رستم شیردل خسته شد
که بر من رسید از بد بدنزاد
ازان خستگی جان من بسته شد
(همان: ج ۶، ابیات ۱۲۴۷ و ۱۲۴۸)

پشوتن به رستم میتازد و او را نفرین میکند:

خروشید چون روی رستم بدید
که نام تو باد از جهان ناپدید
(همان: بیت ۱۳۳۶)

بزرگان ایران که از کشته شدن اسفندیار اندوهگین بودند، گشتاسب را مسبب مرگ او دانسته و وی را نفرین کردند:

بزرگان ایران گرفتند خشم
به آواز گفتند کای شوربخت
ز آرم گشتاسب شستند چشم
به زابل فرستی به کشتن دهی
چو اسفندیاری تو از بهر تخت
سرت را ز تاج کیان شرم باد
تو بر گاه تاج مهی برنهی
به رفتن پی اخترت نرم باد
(همان: ابیات ۱۵۴۸-۱۵۵۱)

پشوتن نیز پدر را نفرین میکند:

پسر را به خون دادی از بهر تخت
که مه تخت بیناد چشمت مه بخت
(همان: بیت ۱۵۷۳)

اسفندیار جاماسپ را نفرین میکند:

چنین گفت جاماسپ گم‌بوده نام
که هرگز به گیتی میناد کام
(همان: بیت ۱۴۷۶)

نفرین کائناتی: زمانی که شخصیتها در شرایط غم و اندوه و یا خشم و اضطراب قرار گیرند، هر آنچه را در پدیدآمدن شرایط نامطلوب مقصر و مؤثر بدانند، نفرین میکنند؛ مانند تاج و تخت، روزگار و نظایر آن.

- کتابیون پس از تحذیر اسفندیار از نبرد با رستم، تاج و تخت را نفرین میکند بلکه در نظر اسفندیار تغییری ایجاد کند:

که نفرین برین تخت و این تاج باد
مده از پی تاج سر را بباد
برین کشتن و شور و تاراج باد
که با تاج شاهی ز مادر نژاد
(همان: ابیات ۱۶۲ و ۱۶۳)

رستم وقتی اصرار اسفندیار را برای دست بستن میبیند، تاج و پادشاهی را نفرین میکند.

که شاید که بر تاج نفرین کنیم
وزین داستان خاک بالین کنیم
(همان: بیت ۸۴۱)

وقتی پشتون برادرش را در آستانه مرگ میبیند، لحنش شبیه کتابون، مادر اسفندیار، شده و زبان به نفرین می‌گشاید:

بـدین کـوشش بـیش و اـین بخت بـاد	کـه نـفرین بـرین تـاج و اـین تـخت بـاد
سـر افـراز و دـانـا و رـوشـنـروان	کـه چـون تـو سـواری دـلیـر و جـوان
بـه زاری سـر آید بـرو رـوز گـار	بـدین سـان شـود کـشته در کـارزار
مـه گـشتاسـپ و جـاماسـپ و آن بـار گـاه	کـه مـه تـاج بـادا و مـه تـخت شـاه

(همان: ابیات ۱۴۲۶-۱۴۲۳)

شکوه‌های نفرین‌گونه: در شاهنامه فردوسی سخنانی از زبان شخصیتها گفته میشود که اگرچه کاملاً منطبق با نفرین نیست، متضمن نفرین و مرتبط با تصاویر آن است. در واقع این تصاویر شکوه‌هایی نفرین‌گونه‌اند و شخصیت و قهرمان برای نشان دادن غم و اندوه خود و شکوه از روزگار میگوید: «که ای کاش هرگز مادرم مرا نمی‌زاید و پدرم بن و بیخ مرا نمیکشت.» مرزی که میان این نوع از شکوه و نفرین کشیده شده، زمان است. نفرین از آینده سخن میگوید و شکوه‌های نفرین‌گونه از گذشته. یکی از کارکردهای این نفرین زمانی است که شخصیتها در موقعیت غم و اندوه قرار میگیرند. در داستان کاموس کشانی، طوس، که خبر بیتابی گودرز و کشته شدن پسرانش را می‌شنود، میگوید:

نکـشتی بـن و بـیخ مـن بـر چـمن	هـمی گـفت اگـر نـوذر پـاک تـن
غـم کـشته و گـرم دشت نـبرد	نـبودی مـرا رنج و تـیمار و دـرد
بـدل خـسته‌ام گـر بـجان رـسته‌ام	کـه تـا مـن کـمر بـر مـیان بـسته‌ام

(همان: ج ۴، ابیات ۴۳۹-۴۳۷)

گودرز نیز به هنگام ناراحتی خود را نفرین کرده و میگوید:

سـیه شـد مـرا بـخت و رـوز سـپید	از بـین زـندگانی شـدم نـامید
نـگشـتی سـپهر بـلند از بـرم	نـزادی مـرا کـاشکی مـادرم

(همان: ابیات ۸۴۴ و ۸۴۵)

کارکرد دیگر این نوع نفرین وقتی است که گوینده قصد دارد خبر ناگواری بدهد. به همین علت ابتدا خود را نفرین میکند که ای کاش زنده نبود تا این خبر را بدهد. گوینده این نوع اخبار بیشتر فالگویان و ستاره‌شماران هستند. در داستان رستم و اسفندیار وقتی جاماسپ به زیج نگاه میکند تا سرنوشت اسفندیار را ببیند، زبان به نفرین خود می‌گشاید و میگوید:

بـبارید آتـش هـمی بـر سـرم	هـمی گـفت بـدروز و بـداخـترم
زـمانه فـگنـدی بـچنگـال شـیر	مـرا کـاشکی پـیش فـرخ زـریـر
نـگشـتی بـجاماسـپ بـداخـترا	و گـر خـود نکـشتی پـدر مـر مـرا
بـران سـان فـگنـده پـیش پـر ز خـون	و رـا هـم نـدیدي بـخاک اـندرون

(همان: ج ۶، ابیات ۳۹-۳۶)

فردوسی بر اساس *یادگار زریران* ابیات بالا را سروده است. در *یادگار زریران* آمده است: «گوید جاماسب که کاش از مادر نزادمی یا چون زادمی به بخت خویش به کودکی بمردمی یا مرغی بودم به دریا فتادمی...» (*یادگار زریران*: ص ۴۸).

تحلیل نحوی نفرینها: با توجه به مثالهای آورده شده، ساخت نفرین در شاهنامه فردوسی متنوع است و فردوسی از ساختها و شگردهای زبانی مختلف برای بیان نفرین استفاده کرده است که برخی از آنها با ساختمان دعا یکی است و برخی متفاوت است.

فعل دعایی باد: مسندالیه+ مسند+ باد: دل بدسگالان به دو نیم باد.

فعل مباد مانند: مسندالیه+ مسند+ مباد. جهانگیر چون طوس نوذر مباد. برای نفرین فعل «مباد» کاربرد کمتری نسبت به فعل دعایی «باد» دارد.

ساخت مه+...+ فعل دعایی+ مه+... (حذف فعل باد به قرینه لفظی): شاعر در این ساخت «مه» را از فعل «باد» جدا کرده و کاربرد آن برای نفرین کردن دو چیز است. باد در نفرین اول ذکر شده اما در نفرین دوم به قرینه لفظی حذف میگردد. همانند: که مه دست بادا از ایشان مه پای (باد).

افعال دعایی دیگر به غیر از «باد» و «مباد». مانند «رساد» در: چنین گفت کاین بد به دشمن رساد.

برای شکوه‌های نفرین‌گونه نیز میتوان دو ساخت قائل شد:

اگر+ فعل شرط (ماضی استمراری منفی) + جواب شرط (ماضی استمراری منفی):

وگر خود نکشتی پدر مرا	نگشتی بجاماسب بداخترا
ورا هم ندیدی بخاک اندرون	بران سان فگنده پیش پر ز خون

(کاشکی) + فعل ماضی استمراری: در این ساخت میتوان کاشکی را به قرینه معنوی حذف کرد: نزادی مرا کاشکی مادرم- زمانه فگندی بچنگال شیر

در ۱۹ مورد یافت شده در بحث نفرین، ۸ مورد مربوط به شماره یک، ۱ مورد مربوط به شماره دو، ۳ مورد، مربوط به شماره سه، ۲ مورد مربوط به شماره چهار و ۴ مورد مربوط به شماره پنج است. یک مورد باقیمانده از نوزده نفرین نیز مربوط به فعل نفرین کردن است در مصرع «که شاید که بر تاج نفرین کنیم».

همان‌طور که گفته شد، رایجترین نوع ساخت نفرین، فعل باد (شماره ۱) است و جایگاه آن در آغاز و وسط و پایان مصراعها نیز متنوع است و شاعر بسبب تسلطی که بر زبان دارد، هر کجا و به هر شکلی که بخواهد واژه‌های متناسب با فضای نفرین را بکار گرفته است اما بیشترین تأثیر نفرین زمانی است که فعل باد در جایگاه قافیه یا ردیف قرار گرفته است. در واقع شاعر اینگونه بر نفرین تأکید نموده و تأثیر بیشتری بر مخاطب گذاشته است. برای مثال تأثیر «که نفرین بر این تخت و این تاج باد» به مراتب بیشتر از «که بر دشمنت باد تیمار و خشم» است. شاید تفاوت واژه‌ها در دو مصراع، این مسئله را بخوبی بازگو نکند و بتوانیم با تغییر مصرع «که بر دشمنت باد تیمار و خشم» بصورت «که بر دشمنت خشم و تیمار باد»، تأثیر قرار گرفتن فعل دعایی «باد» را در جایگاه قافیه بیشتر آشکار نماییم. در نحو نخست، نفرین، کمتر خود را نشان میدهد و تکیه کلام بر واژه باد است اما پس از آن صدا فرود می‌آید و آهنگ کلام افتان است ولی در نحو دوم نفرین پررنگتر است و با قرار گرفتن فعل

دعایی باد در آخر جمله، اگرچه تکیه روی خشم و تیمار است اما صدا پس از آن دچار فرود نمیشود و همچنان با فعل دعایی «باد» در اوج میماند. در واقع با قرار دادن فعل دعایی «باد» در انتهای مصرع، بطور غیرمستقیم مسند نیز برجسته‌تر میشود.

تحلیل واژه‌ای نفرینها: در بحث نفرین نیز مانند دعاها به اسمها، افعال، عبارتهای پرتکرار و عبارتهای کنایی پرداخته شده است:

واژه‌ها: در نفرینها معمولاً واژه‌هایی که بار معنایی منفی دارند به چشم میخورند. مانند: نفرین، گم، ناپدید، تیمار (به معنای اندوه) و خشم، شرم.

افعال: فعلهایی مانند: باد، مباد، رساد، میناد، نفرین کنیم و ... در نفرینها دیده میشود.

عبارتهای تکراری: در بحث نفرین بعلت تنوع در ساختها کمتر با عبارتهای تکراری مواجه میشویم. بالینحال یکی از عبارتهای رایج همان ساخت شماره ۳ یعنی مه+...+ فعل دعایی+ مه+... (باد) است که در مصرعهای «مه دست بادا از ایشان مه پای»، «که مه تاج بادا و مه تخت شاه» و «که مه تخت بیناد چشمت مه بخت» دیده میشود.

کنایه‌های نفرینی: در نفرینها، کنایه‌های به‌دوینیم شدن دل، نرم شدن پی اختر، گم شدن، ناپدید شدن نام، زرد بودن رخ و نگونسار بودن سر بخت دیده میشود و در شکوه‌های نفرین‌گونه نیز کنایه‌های بدروز و بداختر بودن، آتش بر سر باریدن، سیاه شدن بخت و روز، نکشتن پدر و نزییدن مادر بچشم میخورد.

نتیجه‌گیری

دعا و نفرین گزاره‌هایی هستند که انسانها برای بروز غم و شادی خود بکار میبرند. مضمون دعا‌های شاهنامه بیشتر طلب شادی و آرامش، غلبه بر دشمنان، آرزوی طول عمر و بهشت است و نفرینها نیز شامل درخواست نابودی دشمنان، نفرین کائناتی و شکوه‌های نفرین‌گونه است. آنچه میان نفرین واقعی و شکوه‌های نفرین‌گونه تمایز ایجاد میکند، زمان و مخاطب است. نفرین طلب نابودی در زمان آینده و شکوه‌های نفرین‌گونه، طلب نبودن و متولد نشدن در زمانهای گذشته است؛ از سوی دیگر مخاطب نفرین، دشمنان و مغضوبانند و مخاطب شکوه‌های نفرین‌گونه زمانه و روزگار است.

گزاره‌های دعایی در دو داستان «کاموس کشانی» و «رستم و اسفندیار» ۱۸ بیت و گزاره‌های نفرینی ۱۹ بیت است. این نزدیکی تعداد نشان میدهد که نمیتوان شاهنامه را یک اثر سراسر خشم و یا سراسر امید دانست بلکه شاهنامه مجموعه خشمها و امیدها، غمها و شادیهاست.

واژه‌ها در گزاره‌های دعایی و نفرینی به تناسب محتوا متفاوتند و تنوع دارند. در گزاره‌های دعایی بیشتر از واژه‌های مثبت مانند روشن‌روان، تن‌درست، شادمان، شاد، انوشه، جاودان، پیروز، نوروز، یار و... استفاده میشود و اگر واژه‌ها بار معنایی منفی داشته باشند، گوینده در پی سلب آنها از مخاطب است و همچنین در گزاره‌های نفرینی نیز از واژه‌ها با بار معنایی منفی مانند نفرین، گم، ناپدید، تیمار (به معنای اندوه) و خشم، و شرم استفاده میشود و اگر واژه‌ای بار معنایی مثبت داشته باشد، گوینده نفرین آن را از مخاطب خود سلب میکند.

در گزاره‌های دعایی عبارتهای کلیدی و مکرر «بی تو میباد»، «دور بودن از» و «انوشه بدی» دیده میشود و در گزاره‌های نفرینی عبارت «مه + ... + فعل دعایی + مه + ... (باد)» تکرار شده است. از آنجاکه در نفرین گوینده چیزی را طلب و آرزو میکند، نفرینها را میتوان نوعی دعا دانست. به همین علت گزاره‌های دعایی و نفرینی عموماً در ساخت مشابهند. در ساخت هر دو گزاره فعلهای باد و میباد و دیگر فعلهای دعایی بکار رفته که رایجترین آن «باد» است. یعنی هم در گزاره‌های دعایی و هم نفرینی با اینکه از جهت محتوا متفاوت هستند از فعل «باد» بیشتر استفاده شده است و از صورت منفی آن، «میباد» کمتر استفاده شده است. گزاره‌های نفرینی ساخت متنوعتری نسبت به گزاره‌های دعایی دارند و یکی از آنها جدا آمدن «مه» از فعل دعایی است که بصورت مه + ... + بادا + مه + ... (باد) آمده. از دیگر تنوعهای ساخت گزاره‌های نفرینی میتوان به شکوه‌های نفرین‌گونه نیز اشاره کرد.

از نظر نحو هنر فردوسی محدود به یک چینش نیست و تنوع چینش در قرار دادن نهاد و فعل در جایگاههای مختلف دیده میشود اما به نظر نگارندگان زمانی که فعل دعایی بویژه «باد» در انتهای مصرع یعنی در جایگاه قافیه قرار میگیرد، تأثیر بیشتری دارد و وقتی که فعل دعایی در جایگاه ردیف قرار میگیرد، تأثیر آن به مراتب بیشتر است و بطور غیرمستقیم تأکید بر مسند نیز بیشتر میشود.

فردوسی در گزاره‌های نفرینی و دعایی از آرایه‌های کنایه بسیار بهره برده است. سر سبز بودن، فلک را زیر خم کمند داشتن، بلند بودن تاج و ... از نمونه‌های کنایه در موقعیت دعاست. در موقعیت نفرین نیز کنایه‌های به دونیم شدن دل، نرم شدن پی اختر، ناپدید شدن نام، زرد بودن رخ و ... یافت میشود. تنوع کنایه‌ها در موقعیت نفرین بیشتر از موقعیت دعا در داستانهای رستم و اسفندیار و کاموس کشانی است.

با بررسی و تحلیل گزاره‌های نفرینی و دعایی شاهنامه مشخص میشود که موفقیت فردوسی در سخنپردازی محدود به یک عامل نیست. بلکه با ترکیب و درهمتنیدگی ویژگیهای محتوایی، زبانی و بلاغی این شاهکار حماسی پدید آمده است. برای درک بیشتر هنر فردوسی و دستیابی به ظرایف سبک شخصی وی پیشنهاد میشود که گفتگوها در موقعیتهای دوگانه دیگری همچون غم و شادی، تضعیف و تشجیع، تهدید و تبشیر، مدح و ذم و ... در سه قلمرو زبان، محتوا و بلاغت بررسی و تحلیل شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس استخراج شده است. آقای دکتر حسینعلی قبادی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم زهرا روحانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر سعید بزرگ بیگدلی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Dahrami, Mehdi. (2017). Good and Cursed in Ancient and Middle Iranian Works. *Iranian Studies* (Shahid Bahonar University of Kerman), No. 31, p.66.
- Dekhoda, Ali Akbar. (1986). *Dictionary*. Tehran: Dekhoda Dictionary Institute, vol. 23.
- Farshidvard, Khosrow. (1972). The verb of prayer and its evolution in Persian language. *Armaghan*, volume 41, p. 777.
- Ferdowsi, Abolghasem. (2009). *Shahnameh*. published by Saeed Hamidian. tenth edition. Tehran: Qatre, vols. 4 and 6.
- Hamidian, Saeed. (2008). *An Introduction to Ferdowsi Thought and Art*. Tehran: Nahid, p.431.
- Homayi, Jaleddin. (1975). *Ferdowsi's Shahnameh: A masterpiece of eloquence and eloquence. Ferdowsi and epic literature (collection of lectures on the first Tus celebration)*. Mashhad: Soroush, p.34.
- Mahozzi, Mehdi. (2017). The theme of the curse in the local couplets of Khorasan and Mazandaran. *Literature and local languages of Iran*, seventh year, p.32.
- Natel Khanlari, Parviz. (2009). *Persian grammer*. 22nd edition, Tehran: Toos, p.117.
- Sang Sefidi, Nazi. (2020). Pathology of spiritual demand and demand in Khorasani style poetry. *Theological Doctrinal Research*, No. 33, p.163.
- Sarami, Ghadmali. (1989). *From the color of flowers to the suffering of thorns*, Tehran: Scientific and Cultural Publications, p. 285.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (2001). *Poetry music*. sixth edition. Tehran: Agah, p.31.
- Yadegar Zariran. (1995). *Mahyar Navabi*, Tehran: Asatir, p.48.

فهرست منابع فارسی

آسیب‌شناسی تقاضا و طلب معنوی در شعر سبک خراسانی، سنگ سفیدی، نازی، استاجی، ابراهیم، عشقی سردهی، علی (۱۳۹۸) پژوهشهای اعتقادی کلامی، شماره ۳۳، ص ۱۶۳.

آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه، دهرامی، مهدی، فهیمی‌پور، مجتبی (۱۳۹۶) مطالعات ایرانی (دانشگاه شهید باهنر کرمان)، بهار و تابستان ۹۶، شماره ۳۱، ص ۶۶.

از رنگ گل تا رنج خار. سرامی، قدمعلی (۱۳۶۸) تهران: علمی و فرهنگی.

بررسی تطبیقی درونمایه نفرین در دوبیتی‌های محلی خراسان و مازندران، ماحوزی، مهدی، طاووسی، محمود، ساروی، ویدا (۱۳۹۶) ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال هفتم، ص ۳۲.

درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی. حمیدیان، سعید (۱۳۸۷) چاپ سوم، تهران: ناهید.

دستور زبان فارسی، نائل خانلری، پرویز (۱۳۸۸) چاپ بیست و دوم، تهران: توس.

شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸) چاپ سعید حمیدیان، ج ۴ و ۶، چاپ دهم، تهران: قطره.

شاهنامه فردوسی: شاهکار سخنوری و سخن‌دانی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۵۴) فردوسی و ادبیات حماسی (مجموعه سخنرانی‌های نخستین جشن طوس)، مشهد: سروش.

فعل دعا و تحول آن در زبان فارسی، فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۱) مجله ارمان، دوره ۴۱، ص ۷۷۷.

لغت‌نامه. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۵) ج ۲۳، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹) چاپ ششم، تهران: آگه.

یادگار زریران. (۱۳۷۴) تصحیح ماهیار نوابی، تهران: اساطیر.

معرفی نویسندگان

زهره روحانی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
(Email: z.rohani@modares.ac.ir)

حسینعلی قبادی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
(Email: hghobadi@modares.ac.ir : نویسنده مسئول)

سعید بزرگ بیگدلی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
(Email: bozorghs@modares.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Zahra Rouhani: PhD student in Persian language and literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
(Email: z.rohani@modares.ac.ir)

Hossein Ali Ghobadi: Professor, Department of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
(Email: hghobadi@modares.ac.ir : Responsible author)

Saeed Bozorg Bigdeli: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
(Email: bozorghs@modares.ac.ir)